یادداشت روز

پیروزی و بازدارندگی چگونه تثبیت می‌شود؟

۱- جنگ ۱۲ روزه، درواقع، برشی از «جنگ اراده‌ها» ظرف چند دهه گذشته است. سؤال راهبردی این است که با وجود همه فراز و نشیب‌ها، کدام اراده طبق راهبرد کلان پیش رفته و کدام اراده در اجرای راهبرد خود ناتوان مانده است. مگر نه اینکه دشمنان ایران، دنبال فروپاشی «جمهوری اسلامی» و «ایران» به عنوان قدرت معادله‌ساز منطقه بوده‌اند، اما نه‌تنها نتوانسته‌اند، بلکه جمهوری اسلامی ایران از کلان این معرکه‌ها، قدرتمندتر و پویاتر بیرون آمده است؟

۲- ما در جنگ اخیر، با آمریکا و ناتو جنگیدیم، نه رژیم بی‌ریشه و مستأصل اسرائیل. این جنگ که در پوشش دلقکی به نام اسرائیل انجام گرفت، «جنگ کثیف» بود. دشمن، خباثت‌ها و جنایت‌هایی را مرتکب شد، که در ادبیات حقوقی و سیاسی دنیا به عنوان «کثیف» یاد می‌شود. اصدراعظم ابله و متوهم آلمان در اوایل جنگ گفت: «این، کار کثیفی است که اسرائیل برای غرب انجام می‌دهد». کار کثیف، اصطلاحا جنایات شرم‌آوری است که جز اوباش و باندهای مافیایی، مرتکب آنها نمی‌شوند. شبیخون نظامی در حالی که مذاکرات در حال برگزاری بود، بمباران میز مذاکره‌ای که به عنوان ابزار فریب و غافلگیری استفاده شد، کشتار صدها شهروند و زن و کودک بی‌گناه، ترور دانشمندان هسته‌ای به عنوان پیشران پیشرفت یک ملت، بمباران تاسیسات و زیرساخت‌های غیرنظامی، ترور فرماندهان نظامی خارج از میدان جنگ و اقدام به ترور سران سه قوه در جلسه شعام، و... همگی اقدامات کثیفی است که طرف غربی مرتکب شد و اسرائیل بی‌حیثیت، بخشی از مسئولیت آن را به عهده گرفت.

۳- دو نکته در اینجا بسیار مهم است. نخست، عبرت تلخ ماجراست. اینکه تا همین اواخر برخی مراکز دولتی، پیگیر بودند به شکل یکطرفه، آخرین منویات FATF (کارگروه مدعی مبارزه با پولشویی، تامین مالی تروریسم و جرائم سازمان یافته) را پیش ببرند و حال آنکه حکام FATF، پیمانکاران اصلی این جرائم کثیف هستند. نکته دوم، مسئولیت همین دوایر دولتی است تا ادعانامه حقوقی علیه طرف متجاوز غربی به خاطر ارتکاب جنایت جنگی و تروریسم و جرائم کثیف تهیه کنند و لااقل در حوزه افکار عمومی، نشان دهند که مدعیان شعارهای فریبنده و بی‌محتوا، بانیان بزرگ‌ترین جنایت‌ها زیر پوشش همین شعارها و سازمان‌ها هستند. نتانیاهو اخیرا به فاکس نیوز گفت: «ما در گذشته دانشمندان هسته‌ای ایران را کشته‌ایم، اما نه مانند دانشمندان برجسته‌ای که در جنگ اخیر کشتیم». آژانس، FATF، و شورای امنیت کجا هستند تا این جنایتکار جنگی تحت تعقیب دیوان لاهه را اگر هم مورد تحریم و تهدید قرار نمی‌دهند، لااقل محکوم کنند؟!

۴- یک ماه قبل از وقوع حمله غافلگیرانه، سه دغلباز شناخته شده ادعا کردند ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه، در اثر توافق قریب‌الوقوع با ترامپ در راه ایران است (!) عجیب اینکه همین طیف کج‌فهم یا دارای آتو نزد دشمن، بعضا نسخه تغییر در سیاست‌های کشور را هم می‌پیچند. این قماش افراد اگر در انگلیس، آمریکا، فرانسه و آلمان، یا چین، روسیه، هند، ترکیه و...، مرتکب خیانتی به مراتب کوچک‌تر شده بودند، قطعا مورد تعقیب و شدیدترین مجازات‌ها قرار می‌گرفتند. به ادعای یک بیانیه صادره در ایام گذشته، «پارادایم باید تغییر کند»؛ اما چه کسانی باید تغییر پارادایم بدهند؟ کسانی که به دشمن اعتماد نداشتند، یا آنها که صلاح و فساد کشور را از پشت عینک دشمنان ملت ایران روایت کردند؟! نشریه آمریکایی فارین پالیسی چند روز قبل اذعان کرد: «حالا در دنیا دیگر ثابت شده که نمی‌توان به آمریکا اعتماد کرد». اما حقه‌بازانی در کشور ما اصرار داشتند که این واقعیت را نفهمند! چرا؟

۵- آقای سعید لیلاز، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران، ۱۳ خرداد ۱۴۰۴ به روزنامه شرق گفت: «اینکه برخی دوستان ساده‌لوح - و بسیار زرنگ ما از نظر خودشان - ادعا می‌کنند اگر با آمریکا مصالحه کنیم ۳،۲ هزار میلیارد دلار سرمایه جذب خواهد شد، خیلی خام‌اندیشی است... نگرانی من درباره مذاکرات از اینجا شروع می‌شود که ممکن است تله آمریکایی‌ها باشد. شک ندارم که دنبال صلح شرافتمندانه نیستند... این هم خام‌اندیشی و در باغ سبز نشان دادن است که هزار یا دو هزار میلیارد دلار جذب سرمایه خواهیم داشت. در بهترین سال‌ها، جذب سرمایه بیش از ۵ میلیارد دلار نبوده است. وقتی بعضی رجال سیاسیِ این چرت و پرت‌ها را می‌گویند، آدم مشکوک می‌شود که نکند عمداً می‌گویند و از جایی برنامه‌ای دارند. و الّا ضمانتی جز لوله توپ وجود ندارد... روشنفکری که از روی لجبازی حرف بزند که متأسفانه کثیری هم این طورند، دیگر روشنفکر نیست».

۶- پالایش و دور ریختن گزاره‌های موهومی که با برچسب دروغین واقع‌گرایی و پرهیز از شعارزدگی، کشور را به مدت دو دهه از پویایی و پیشرفت و تولید قدرت در مقابل دشمن باز داشت و در برخی حوزه‌ها به انفعال انداخت، ضرورت پدافند و پیشرفت کشور است. گزاره‌ها یا رفتارهای مهملی مانند ضرورت نُرمال و قابل پیش‌بینی شدن در مقابل غرب، تنش‌زدایی یکطرفه و پرهیز مطلق و به هر قیمت از «تله تنش»، دوبینی و شکاف‌پنداری میان اسرائیل و آمریکا، یا آمریکا و انگلیس و فرانسه در موضوع ایران، بازیگر منفعل شدن در بازی پلیس خوب و پلیس بد دولت‌های غربی، تضمین‌انگاری چند باره وعده‌های آنها با وجود اینکه هر بار مرتکب خیانت و خلاف وعده شدند، و گرم گفت‌وگو و مغازله شدن و تهدیدسازی‌های دشمن را ندیدن.

۷- تدبیرهای حکیمانه رهبر انقلاب به‌ویژه طی دو دهه گذشته، کشور را با وجود بدفهمی و بد تدبیری‌های برخی مدیران ارشد، از میانه بحران‌ها عبور داد. چه کسی باور می‌کند که یک شخصیت سیاسی ارشد، فروردین ۱۳۹۵ در اوج تهدیدهای دشمن در منطقه ادعا کند: «دنیای فردا، دنیای گفتمان‌هاست، نه موشک‌ها»؟ تحلیل‌های مسموم را کدام مشاوران تزریق کردند که همین، ۳۰ مرداد ۱۳۹۵، در اجلاس آموزش و پرورش گفت: «اگر می‌بینید آلمان و ژاپن محکم‌ترین اقتصاد دنیا را دارند، بعد از جنگ جهانی دوم از اینکه نیروی نظامی داشته باشند محروم شدند. نیروهای نظامی بیشترین خرج کشورهای در حال جنگ را می‌بردند و با این اقدام، پول‌های‌شان آزاد شد و به دنبال کارهای علمی و تولیدی رفته و اقتصاد دانش‌بنیان درست کردند، لذا دیگر آسیب‌پذیر هم نیستند، این راه در ایران باز شده است»! آیا حتما باید به کشور حمله می‌شد و ۱۱۰۰ نفر به شهادت می‌رسیدند تا دبیرکل حزب کارگزاران، برخلاف تصورات غلط پدر معنوی حزب اذعان کند: «توانایی موشکی و پهپادی، به داد ایران رسید» و فرزند آن چهره سیاسی بگوید «باید در فناوری‌های نظامی، خودمان را به فناوری‌های روز نزدیک کنیم»؟!

۸- دشمن، جنگ را با توهم پیروزی دو سه روزه آغاز کرد و پس از ۱۲ روز، زیر ضربات مهلک ایران، واسطه‌ها را برای آتش‌بس گسیل کرد. ایران در این جنگ، بدون آنکه از انواع موشک‌های پیشرفته‌تر خود استفاده کند، غالبا از موشک‌های نسل قدیمی و انباشته شده طی دهه گذشته استفاده کرد؛ اما با این وجود، موشک‌ها در تل‌آویو و حیفا (منطقه کریا و وزارت جنگ، دفتر نخست‌وزیر، مقر موساد و امان، مؤسسه وایزمن، پایگاه‌های نظامی، پالایشگاه حیفا و نیروگاه برق اشدود و...) چنان زهر چشمی گرفتند که محافل عبری و غربی نوشتند: «موشک‌های هیولایی ایران، جهنم ساختند». اکنون به گزارش روزنامه یدیعوت آحارآنوت: «بعد از گذشت یک سال و هشت ماه از جنگ غزه و از آن مهم‌تر، بعد از حملات موشکی ایران، بر اساس نظرسنجی جدید، ۷۳ درصد نیروی کار اسرائیل از تمایل به مهاجرت معکوس پرده برداشتند».

۹- سامانه پدافند فوق مدرن «تاد» در برابر موشک‌های نسل اول و دوم ایران زانو زد. کار به جایی رسید که دونالد ترامپ با وجود اصرار به انکار و کوچک‌نمایی ضربات گفت: «اسرائیل واقعا ضربه خیلی سختی خورد؛ خصوصاً در روزهای آخر. وای پسر! اون موشک‌های بالستیک خیلی از ساختمان‌ها رو نابود کردند!» این قدرت‌نمایی محدود، ایران را به عنوان «ابرقدرت موشکی» در جهان معرفی کرد و موجب شد تا جنگ‌افروزان، دست به دامن واسطه‌ها برای آتش‌بس شوند. این در حالی بود که ایران، صرفا درد ناشی از اصابت چند فروند موشک خیبرشکن و سجیل را به دشمن چشانده بود. وحشت غرب، از اراده و اقتدار تهاجمی است که در جنگ تحمیلی اخیر، در حال شکستن کمر اسرائیل بود و جنگ‌افروزان دیوانه را به صرافت انداخت تا طرفدار آتش‌بس شوند.

بقیه در صفحه ۱۱

کدخدایی:

آمریکا از آژانس انرژی اتمی و شورای امنیت اعتبارزدایی کرده است

رئیس پژوهشکده شورای نگهبان گفت: آژانس انرژی اتمی و شورای امنیت توسط آمریکا و غرب کارکردزدایی شده‌اند.

عباسعلی کدخدایی، عضو حقوقدان و رئیس پژوهشکده شورای نگهبان در گفت‌وگو با برنامه تلویزیونی که شامگاه روز شنبه (۲۱ تیر ۱۴۰۴) از شبکه افق سیما پخش شد، اظهار داشت: روابط بین‌الملل و آنچه امروزه به عنوان نظام بین‌الملل می‌شناسیم، تاریخی دارد که به قرن هفدهم برمی‌گردد. پس از آنکه جنگ‌ها و درگیری‌هایی در اروپا اتفاق افتاد به‌خصوص جنگ‌های سی ساله و امپراطوری‌های فروپاشید، دولت - کشورهایی شکل گرفت تا حاکمیت مستقلی داشته باشند، از جهات حقوقی با همدیگر برابر باشند و بتوانند در جامعه متکثری روابطی خالی از زور و قدرت‌مداری را تنظیم کنند؛ اینها گام‌های اولیه در عرصه بین‌المللی بود که به قرن نوزدهم (سال ۱۸۱۵) به کنگره وین رسیدیم.

وی افزود: سپس جنگ‌های جهانی اول و دوم اتفاق افتاد. بعد از جنگ جهانی اول، ساختاری در عرصه بین‌المللی شکل گرفت که افراد مختلف و صاحب‌نظرانی در گذشته درباره آن بحث کرده بودند؛ آنها انتظار داشتند شبیه‌سازی نظام‌های داخلی در عرصه بین‌المللی شکل بگیرد. ماحصل آن بحث‌ها جامعه ملل شد که بر اساس میثاق شکل گرفت و تنظیم‌گری بیشتری در عرصه بین‌المللی شاهد بودیم. هدف عالی در میثاق عمدتاً صلح و امنیت بود و گفته شده بود که دولت‌ها باید از طریق مسیر مسالمت‌آمیز حرکت کنند.

این استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران ادامه داد: یک جایی هم در نظر گرفته شده بود که اگر دولتی بخواهد متوسل به زور، جنگ و... شود باید از میثاق و جامعه ملل خارج شود که همین موجب ضعف و فروپاشی جامعه ملل شد؛ لذا بعد که به جنگ جهانی دوم رسیدیم، شاهد شکل‌گیری منشور ملل متحد و سازمان ملل بودیم؛ این اتفاق در سال ۱۹۴۵ روی داد.

کارکردزدایی از نهادهای بین‌المللی

کدخدایی خاطرنشان کرد: نهادگرایی در عرصه بین‌المللی بر اساس اصول و قواعد شناخته شده‌ای بود که برابری دولت‌ها، استقلال و حاکمیت دولت‌ها، عدم توسل به زور و عدم مداخله قهرآمیز در امور کشورها از جمله آن اصول بود. اینها چیزهایی بود که عقل در هر جامعه‌ای آن را می‌پذیرفت و تأیید می‌کرد؛ لذا به عنوان پایه و اساس نظام بین‌الملل جدید، بعد از سال ۱۹۴۵ شناخته شدند. نهادها نیز بعداً توسعه پیدا کردند.

وی بیان داشت: علاوه‌بر سازمان ملل متحد، نهادهای دیگری از جمله سازمان‌هایی وابسته به ملل متحد و سازمان‌های مستقل نیز شکل گرفت و جهان با سرعت زیادی شاهد شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی بود. در آن موقع تصویر این بود که اگر برای هر کاری، نهادی در عرصه بین‌الملل داشته باشیم، می‌توان تنظیم‌گری کرد و روابط میان دولت‌ها را شکل داد و کنترل کرد. این فضا تا سال ۱۹۹۰ که شوروی فروپاشید و جنگ سرد سپری شد، وجود داشت.

رئیس پژوهشکده شورای نگهبان اضافه کرد: از آن به بعد به‌خصوص در غرب و آمریکا نگاه جدیدی شکل گرفت و هنجارهای ساخته و پرداخته دولت‌ها به‌خصوص دولت‌هایی مانند آمریکا اساس کار شد؛ یعنی شاهد بازنگری و واکاوی در عرصه کنش‌های بازیگران اصلی بودیم و به جای اینکه منع توسل به زور و عدم مداخله وجود داشته باشد که یک سری اصول و قواعد از پیش تعیین شده داشت، یک سری اهداف اجتماعی مانند قدرت و ثروت تعقیب شد.

کدخدایی گفت: بنابراین این نهادها از کارکرد اصلی خودشان خارج شدند و دولت‌ها بیشتر اقتضائی و مسئله‌محور عمل کردند. رفتار دوگانه نتیجه‌ای است که از این وضعیت می‌توانیم داشته باشیم. قدرت‌های بزرگ به دنبال شکل‌گیری این وضعیت بودند و نظریه‌پردازانی هم تئوری‌های آن را ابداع و مطرح کردند. محورشان بیشتر هنجارها و رویه‌هایی بود که قدرت‌های بزرگ دارند.

وی در این رابطه FATF را مثال زد و گفت: FATF نه سازمانی است و نه الزامی دارد. هیچ دولتی نرفته است به آن تعهدی بدهد. کشورهای گروه هفت استانداردی را تعریف کرده‌اند که برای روابط پولی و بانکی است؛ استانداردهایی ارائه شده که خارج از این استانداردها نمی‌توان رفتار کرد. این استانداردها، هنجارهایی است که آنها ایجاد کردند و براساس منافع آنهاست.

آمریکا در حال دور زدن نهادهای جهانی

این استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران گفت: تا زمانی که کشورهای زیادی به عنوان عضو ملل متحد نداشتیم و فضای دوقطبی در جنگ سرد وجود داشت، تمامی توسل آمریکا به قطعنامه‌های شورای امنیت و نهادها و سازمان‌های دیگر بود، اما از آن زمان به بعد وقتی که می‌بینند اکثریت دولت‌ها بر جامعه بین‌المللی غالب می‌شود، راه دیگری ایجاد می‌کند و به سراغ دور زدن این سازمان‌ها می‌رود.

کدخدایی اشاره کرد: ترامپ چه در دوره اول و چه اکنون، خروج از برخی سازمان‌ها و پیمان‌های بین‌المللی همچون یونسکو داشته است. همچنین آمریکایی‌ها علی‌رغم اینکه تلاش بسیاری برای ایجاد ICC انجام دادند، اما هیچ‌گاه عضو نشدند. اخیراً هم آمریکا آنها را به دلیل اقداماتی که علیه مقامات رژیم صهیونیستی داشتند، تحریم کرد. یا اینکه اخیراً گزارشگر حقوق بشر را تحریم کرد.

وی اعلام کرد: آمریکایی‌ها روش‌ها، نهادها و ابزارهای بین‌المللی را تا زمانی قبول دارند که منافع‌شان را تأمین کند و تا زمانی که برخلاف منافع اینها حرکت بکنند، تحریم و تهدید نیز وجود دارد.

ضرورت پیگیری‌های حقوقی برای دریافت غرامت

این استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران در پاسخ به سؤالی درباره دریافت غرامت و پیگیری‌های بین‌المللی اظهار داشت: معادلات بین‌المللی در روابط بین کشورها تابعی از تحولات بین‌المللی، تحولات بین آن کشورها و ظرفیتی که آن کشورها دارند، است. گاهی اوقات نیز ملاحظات سیاسی و دیپلماتیک وجود دارد؛ بنابراین همه اینها مؤثر هستند و یک مورد ساده مانند دعوای داخلی که ما مراجعه به دادگاهی کنیم، حکم غرامتی بگیریم و بعد بتوانیم آن را اجرا کنیم نیست.

باید قدردان مردم باشیم

کدخدایی در بخش پایانی صحبت‌هایش گفت: باید به مشکلات مردم خوب‌مان رسیدگی شود. باید فراتر از بحث‌های سیاسی و... گوش به فرمان مقام معظم رهبری باشیم و براساس تدابیر ایشان در جهت منافع ملی حرکت کنیم.

اگر در این مسیر حرکت بکنیم، هیچ دشمنی نمی‌تواند، ضربه اساسی به نظام جمهوری اسلامی ایران و منافع مردم بزند. مردم خوب ما همیشه در صحنه هستند و باید قدردان باشیم و ارزش این نعمت بزرگ یعنی مردم‌سالاری دینی که امام خمینی(ره) ایجاد کردند و مقام معظم رهبری مرتب بر آن تاکید می‌فرمایند، حفظ کنیم.

گفت و شنود

نیگاه نکن!

گفت: یادداشت کیهان درباره بی‌اعتباری مکانیسم ماشه بدجوری غربگراها را به برخوردهای دوگانه انداخته است!

گفتم: در یادداشت کیهان آمده بود، برجام بعد از خروج یک عضو آن یعنی آمریکا دیگر وجود خارجی ندارد و در نتیجه مکانیسم ماشه نیز از اعتبار افتاده است. غربگراها چرا باید از این استدلال حقوقی دچار دوگانگی بشوند؟!

گفت: برای این‌که فاجعه برجام کار خودشان بوده است و آن را فتح‌الفتوح می‌دانستند! بنابراین اگر بگویند برجام هنوز اعتبار دارد، در مقابل فاجعه مکانیسم ماشه توجیهی ندارند! و اگر بگویند اعتبار ندارد، سؤال این است که چرا تاکنون برای اعلام بی‌اعتباری آن کاری نکرده‌اند! به همین علت گیج شده‌اند و فقط به کیهان ناسزا می‌گویند!

گفتم: یارو می‌گفت؛ صبح‌ها که میرم سر کار، بعضی‌ها یه جوری زُل می‌زنند و نیگاهم می‌کنند که انگار من از خواب بیدارشون کردم!

بیانیه ۴۰۰ فقیه و استاد حوزه:

تهدیدکنندگان مرجعیت محارب هستند

بیش از ۴۰۰ نفر از فقها و اساتید عضو مجمع عمومی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با صدور بیانیه‌ای حمایت قاطع خود را از فتوای مراجع عظام تقلید مبنی بر حکم محارب بودن تهدیدکنندگان رهبری معظم انقلاب و مرجعیت اعلام کردند.

بیش از ۴۰۰ نفر از فقها و اساتید عضو مجمع عمومی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در حمایت از فتوای مراجع عظام تقلید (دامت برکاتهم) مبنی بر حکم محارب بودن تهدیدکنندگان رهبری معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) و مرجعیت دینی، بیانیه‌ای صادر و تأکید کردند: افسران و سربازان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تا آخرین نفس و آخرین قطره خون از نظام مقدس، خون شهدا و مقام منیع مرجعیت مجاهدانه دفاع کرده و همراه با ملت پیروزمند ایران مثل جنگ ترکیبی جهانی تحمیلی ۱۲ روزه پوزه استکبار جهانی و شیطان بزرگ آمریکا را به خاک خواهند مالید.

به گزارش خبرگزاری حوزه، متن این پیام بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم
واعدوا لهم مااستطعتم من قوه
وقاتلواهم حتی لا تکون فتنه
وقاتلوا ائمه الکفر

در زمانی که همه کفر در مقابل همه اسلام ایستاده است و بنای هدم و نابودی اسلام عزیز را دارد و مردم مسلمان غزه را سالیانی است به خاک و خون می‌کشد و فریاد مظلومیت مسلمانان به گوش می‌رسد، حال وقیح‌تر از قبل چنگ و دندان به عاصمه اسلام و دین نشان داده و گستاخ‌تر از همیشه بنای تعرض و جسارت به مرجعیت اسلام که نماد و قله‌های شرافت و مأوای مسلمین هستند را گذاشته و جان مبارک مرجعیت و رهبری جهان اسلام حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) را هدف تهدید خود قرار داده است.

مجمع عمومی جامعه مدرسین حوزه ضمن محکوم نمودن این عمل شنیع که توهین آشکار به اسلام و مقدسات و مسلمانان جهان است را شدیداً محکوم نموده و از فتوی حساس و تاریخی و شجاعانه مراجع عظام تقلید قم و نجف اشرف (دامت برکاتهم) در حکم به محارب بودن صاحبان این ایده شوم و وجوب دفاع جانانه و پشیمان‌کننده همه مسلمین کمال تقدیر را داشته و قاطعانه اعلام حمایت می‌کند و از همه ملت‌های آزاده و شجاع به‌ویژه مسلمانان جهان می‌خواهد جهت نجات بشریت و تقویت مجد و عظمت اسلام و نابودی رژیم‌ها و دولت‌های تروریستی صهیونیستی اسرائیل و آمریکا قیام کرده و در راستای نابودی رژیم غاصب و شکست دولت مستکبر آمریکا و نجات مستضعفان عالم به جهاد و مبارزه با این رژیم نژادپرست و کودک‌کش و خونریز و حامی جنایتکار آن یعنی آمریکا که تهدید بشریت و انسانیت در کل جهان هست بپاخیزند.

اساتید مجمع عمومی حوزه علمیه قم از دادگاه‌های بین‌المللی خواستار محاکمه و مجازات گروسی خائن و جاسوس و نتانیاهو و ترامپ به عنوان جنایتکار جنگی تا احقاق حقوق ملت شریف و مقتدر ایران می‌باشند. افسران و سربازان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تا آخرین نفس و آخرین قطره خون از نظام مقدس، خون شهدا و مقام منیع مرجعیت مجاهدانه دفاع کرده و همراه با ملت پیروزمند ایران مثل جنگ ترکیبی جهانی تحمیلی ۱۲ روزه پوزه استکبار جهانی و شیطان بزرگ آمریکا را به خاک خواهند مالید.

اللهم عجل لولیک الفرج
نصر من الله و فتح قریب

خبر ویژه

روزنامه کارگزاران: خاتمی و روحانی را برای مذاکره بفرستید!

روزنامه سازندگی ارگان سازمانی حزب کارگزاران سازندگی در شماره روز شنبه خود گفت‌وگویی را از سیدحسین مرعشی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی و رئیس شورای سیاست‌گذاری این روزنامه با عنوان «راه نجات ایران» منتشر کرده است که با وجود شعار این روزهای اصلاح‌طلبان مبنی بر وفاق و پرهیز از دو قطبی‌گری، موضوعاتی در این مصاحبه مطرح شده که تضعیف‌کننده نهادهای کشور و طرح مباحث حاشیه‌ساز بوده است.

سیدحسین مرعشی، در گفت‌وگو با محمد مهاجری، سردبیر «خبرآنلاین» به تحلیل وضعیت پیش‌رو- به‌خصوص پس از جنگ ۱۲روزه ایران و اسرائیل- پرداخته است. مصاحبه او چند محور مهم داشت. او نیز همچون دیگر اصلاح‌طلبان که این روزها به رسانه ملی دعوت می‌شوند و سخن از حضور برخی رهبران اصلاحات در بدنه تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر نظام دارند، تلاش کرده در این مصاحبه همچون دیگر رفقای خود فضا را برای برخی اصلاح‌طلبان که عملکرد گذشته آنها شرایط حاضر را برای کشور ایجاد کرده است، فراهم نماید. هرچند در این مصاحبه، مرعشی تأکید کرده که «خمیرمایه نجات ایران در وضعیت جدید، باید این باشد که همه سیاسیون، ملیون، مدافعان نظام، همه پشت‌سر رهبری قرار بگیرند.» اما در همین حال می‌افزاید: «از آن‌سو، انتظار این است که رهبری نیز براساس خرد جمعی ملی از همه ابزارهایشان استفاده کنند. ما باید یک بسیج دیپلماسی راه بیندازیم. مأموریت‌دادن به رؤسای جمهور سابق، نشانه عقلانیت است، نه ضعف. رؤسای جمهور گذشته در کنار رئیس‌جمهور فعلی، رؤسای مجالس گذشته در کنار رئیس‌مجلس فعلی و وزرای خارجه پیشین در کنار وزیر خارجه کنونی باید به عنوان مشاوران درجه یک، مأموریت بگیرند. چه اشکالی دارد که به آقای خاتمی مأموریت داده شود تا به فرانسه برود؟ یا به آقای روحانی مأموریت داده شود به عربستان یا سازمان ملل سفر کند؟»

اینکه نظام در شرایط حاضر بیش از هر زمان دیگر نیاز به همفکری و بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های خود دارد، سخن درستی است اما سؤال اینجاست آنچه امروز بر سر این ملت آمده، محصول کدام رفتارها است؟ مگر در دوران خاتمی در حمله آمریکا به افغانستان، دولت او بحث گفت‌وگوی تمدن‌ها را مطرح نکرد و بیشترین مماشات را ما با آمریکا نداشتیم پس چرا«بوش» رئیس‌جمهور وقت آمریکا ایران را «محور شرارت» معرفی کرد! یا آقای روحانی در شرایط جدید، از کدام ظرفیت خود باید استفاده کند که در ۸ سال دولت خود برای حقانیت جمهوری اسلامی استفاده نکرده است که دادن مأموریت تازه می‌تواند شق‌القمر کند!

هرچند آقای مرعشی در این مصاحبه به نکات خوبی هم اشاره و تأکید کرده است، اما به نظر می‌رسد وقتی روزنامه سازندگی از دو صفحه مصاحبه، چند جمله را به عنوان سوتیتر انتخاب می‌کند، می‌خواهد به خواننده القاء کند همه آنچه که در این مصاحبه قابل توجه است، در همین چند جمله خلاصه می‌شود!

تبرئه آمریکا و متهم کردن ایران حتی بعد از خیانت ترامپ!

عضو مرکزیت حزب اتحاد ملت گفت: اگر در روند مذاکرات قدری جسورتر، چابک‌تر و هوشیارانه‌تر عمل می‌کردیم، شاید می‌توانستیم از وقوع جنگ جلوگیری کنیم.

علی شکوری‌راد به ایرنا گفت: پزشکیان از ابتدا اعلام کرد که قصد دارد نظرات و سیاست‌های کلی نظام، که توسط رهبری ابلاغ شده، را اجرا کند. در عمل نیز تا حد زیادی همین‌گونه عمل شده است. دولت، در عملکردهای خود، هم‌راستا با دیدگاه‌های رهبری حرکت کرده است.

وی افزود: در مواردی که اختلاف نظر وجود داشته، مانند موضوع مذاکره، دکتر پزشکیان تصریح کرد که از ابتدا نظرش موافق مذاکره بوده است، اما وقتی رهبری اعلام کردند که مذاکره نمی‌کنیم، ایشان نیز گفت که وقتی نظر رهبری این‌گونه است، موضوع منتفی است و دولت تابع نظر رهبری خواهد بود. پس از اینکه پزشکیان این موضع را مطرح کرد، رهبری نیز زمینه انجام مذاکره را فراهم کردند.

عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت گفت: اگر در روند مذاکرات قدری جسورتر، چابک‌تر و هوشیارانه‌تر عمل می‌کردیم، شاید می‌توانستیم از وقوع جنگ نیز جلوگیری کنیم. در این مدت ترامپ نشان داده است که قابل مدیریت است. ما باید خودمان ترامپ را مدیریت می‌کردیم و نباید می‌گذاشتیم نتانیاهو این‌کار را بکند(!)

اظهارات شکوری‌راد در حالی است که از یکسو آقایان پزشکیان و عراقچی تصریح می‌کنند آمریکا و اسرائیل وسط مذاکرات، میز مذاکره را بمباران کردند؛ و از سوی دیگر، نتانیاهو و ترامپ تاکید می‌کنند که در هماهنگی کامل، حمله به ایران را ترتیب داده و از مذاکرات صرفا به عنوان عملیات فریب برای غافلگیری بهره گرفته‌اند.

ترامپ در این زمینه گفت: می‌خواهم از نتانیاهو تشکر و به او تبریک بگویم. ما به عنوان یک تیم کار کردیم، شاید هیچ تیمی تا به حال این کار را نکرده باشد.

نتانیاهو نیز گفته بود: بمباران ایران بین من و ترامپ هماهنگ شده بود. با هماهنگی کامل ما، آمریکا به تأسیسات هسته‌ای حمله کرد. ترامپ با درخواست علنی از ما برای عدم حمله به تحقق غافلگیری کمک کرد.

بر این مبنا، سخنان شکوری‌راد، نوعی فرار به جلو برای خارج کردن طیف متبوع خود از موضع اتهام است. این اتهام که اظهار ضعف و عجز و تاکید شیدا گونه بر مذاکره موجب گستاخ شدن دشمن و ارتکاب تجاوز نظامی اخیر شده است. مدعیان اعتدال و اصلاحات ادعا می‌کردند مذاکره سایه جنگ را از سر کشور دور می‌کند اما جنگ را بر سر کشور کشاند. آنها همچنین ادعا می‌کردند میان نتانیاهو و ترامپ اختلاف جدی وجود دارد و با مذاکره می‌تاوان این شکاف را عمیق‌تر کرد! اما ارسال پالس‌های اشتباه و بعضا خیانت بار، درست بر عکس فضاسازی‌های جعلی این طیف عمل کرد و حالا شکوری راد ادعا می‌کند «اگر در روند مذاکرات قدری جسورتر، چابک‌تر و هوشیارانه‌تر عمل می‌کردیم، شاید می‌توانستیم از وقوع جنگ جلوگیری کنیم».

او حتی به روی خود نمی‌آورد که ترامپ (پایمال‌کننده توافق برجام)، در حول و حوش مذاکرات هیچ حرفی از لغو تحریم‌ها یا پایبندی به معاهده ان‌پی‌تی نمی‌زد، بلکه خواستار تعطیلی برنامه هسته‌ای ایران. در این شرایط، تبرئه ترامپ و نتانیاهو و متهم کردن کشورمان به اینکه به قدر کافی جسورانه و چابک در مذاکرات عمل نکرده، به چه معناست؟ یعنی باید دولت پزشکیان و تیم عراقچی مطلقا تسلیم می‌شدند و مثل زلنسکی رفتار می‌کردند؟!

یادآور می‌شود هرگاه مدعیان اعتدال و اصلاحات در دو دهه گذشته بر سر کار بوده‌اند، بلافاصله طبق فشار بیگانگان، نسخه تعطیلی برنامه هسته‌ای را پیچیده و کشور را عقب نگاه داشته‌اند. همین‌ها در عین حال، هنگام مطرح شدن مشکل کشور در موضوعاتی مثل تامین برق، از موضع اتهام و قصور جا خالی داده و طلبکارانه سخن گفته‌اند!

این نکته هم شایان ذکر است که برخی مدعیان اصلاحات(حضرتی، مرعشی و فیاض زاهد) درست همزمان با آماده شدن آمریکا و اسرائیل برای حمله غافلگیران، در حال تکمیل عملیات فریب دشمن و مدعی جذب قریب‌الوقوع ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی از مسیر توافق با آمریکا بودند!!

موشک‌های ایران مخازن سوخت رژیم صهیونیستی را بی‌پناه کرد

طی روزهای گذشته رسانه‌های عبری تأکید دارند: پس از حمله ایران به پالایشگاه حیفا، هیچ شهری حاضر نیست میزبان مخازن نفت رژیم باشد. مقامات محلی تهدید کرده‌اند در صورت جانمایی انبار سوخت در شهرهای خود، توسعه شهری را متوقف می‌کنند. کارشناسان تأکید دارند در جنگ آتی، بدون ذخایر امن برای تأمین سوخت جنگنده‌ها، جنگنده‌ها قادر به پرواز نخواهند بود.

یک رسانه عبری نوشت: درباره پیامدهای حمله موشکی تلافی‌جویانه ایران به پالایشگاه حیفا آنهائی که می‌گویند، مخازن نفت و مواد شیمیایی را از خلیج حیفا باید منتقل کرد، بگویند کجا می‌توانیم ببریم؟ در حالی که هیچ منطقه‌ای حاضر نیست هدف بعدی موشک‌ها باشد.

روزنامه اقتصادی «گلوبس» هم در شماره روز جمعه خود با این جمله به معضل بزرگ رژیم صهیونیستی درباره چگونگی محافظت از مخازن نفت و مواد شیمیایی خود در جنگ آتی به‌ویژه در خلیج حیفا پرداخت.

«عامیران گیل» در مقاله خود آورده است، بعد از اصابت موشک ایرانی به تأسیسات «بازان» که منجر به کشته شدن دست‌کم ۳ نفر و تعطیلی این تأسیسات شد، هرکسی که تصور می‌کند بعد از جنگ ۱۲روزه انتقال مخازن و مواد نفتی و شیمیایی خطرناک از خلیج حیفا آسان خواهد بود، ظاهراً پیچیدگی این مسئله را کاملاً فراموش کرده است.

در ثانی طرفداران این ایده باید به این دو پرسش هم پاسخ دهند که چرا باید مخازن سوخت از این منطقه خارج شود؟ و اصولاً اگر قرار است جابه‌جا شود، به کدام منطقه باید منتقل شود؟

در ادامه این مقاله آمده است، بعد از مشکل جنگ، جانمایی ساخت فرودگاه‌ها یا مراکز تولید انرژی، امروز بزرگ‌ترین چالش موجود درباره این مسئله است، چون هرجا که قرار است احداث شود با مخالفت و اعتراض اهالی آن منطقه روبه‌رو خواهد شد.

تصور کنید ساکنان یا مسئولین یک منطقه مطلع شوند که قرار است یکی از مخازن و انبارهای نفتی بزرگ در کنار منطقه آنها ایجاد شود، به طور حتم اعتراضات شدیدی با آن صورت خواهد گرفت، این مسئله حتی قبل از جنگ هم وجود داشت اما بعد از جنگ به‌شدت بیشتر شده است. «گلوبس» نوشت: شماری از مسئولین عالی‌رتبه در بخش برنامه‌ریزی با ناامیدی و سرخوردگی به من گفتند: جنگ به‌شدت برنامه‌های ما را دچار مشکل و چالش کرده است، هیچکس دوست ندارد هدف جدید و بعدی موشک‌ها قرار بگیرد، این در حالی است که جنگ نیاز ما را به داشتن مخازن ذخیره نفت و سوخت بیشتر نشان داد زیرا در صورت بسته شدن بنادر و تعطیلی پالایشگاه‌ها در جنگ آتی این ذخایر بسیار حیاتی خواهد بود و در